یاس کبود (شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام)

**117**

ویژگی منحصر به فرد

فاطمه علیهاالسلام را همه می شناسند؛ حتی غیر مسلمانان نیز از او به قداست یاد می کنند. مهربانی، شجاعت، عصمت، دانش، تقوا و در یک کلام، فضلیت ها با نام فاطمه گره خورده است. فاطمه علیهاالسلام دختر پیامبر خداست که در قرآن، مقام والایش بیان شده است، قلب و جان پیامبر صلی الله علیه و آله که تاریخ، سفارش های ایشان را به محبت او و فرزندانش ثبت کرده است. نام فاطمه علیهاالسلام ، با مظلومیت هم گره خورده است و سوم جمادی الثانی، سالروز شهادت فاطمه زهرا علیهاالسلام ، بهترین فرصت برای گره زدن دل های شیدا بر گوهرهای حُسن اوست.

آغاز مظلومیت

داغ فراق پیامبر صلی الله علیه و آله برای جهان اسلام و به ویژه خانواده ایشان مصیبت بزرگی بود، به ویژه آنکه این مصیبت بزرگ، آزارهای سختی را در پی داشت که در طول تاریخ، گریبانگیر اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله شد. این مصیبت ها آن قدر کمرشکن بود که زهرا علیهاالسلام زبان به شکوه گشود: «پدرجان! تنها و حیران مانده ام. صدایم خاموش شده و پشتم شکسته است. زندگی ام مکدّر گردیده و دنیا بر من تاریک شده است». اشعاری هم که منسوب به ایشان است، عظمت مصیبت را می رساند که: «مصیبت هایی بر من فرو ریخت که اگر بر روزهای روشن می ریخت، همه در سیاهی فرو رفته و شب می شدند».

گریه های زهرا علیهاالسلام

پنج نفر در دنیا به «بکّاء» یعنی بسیار گریه کننده معروف شده اند؛ آدم علیه السلام که در جدایی از بهشت می گریست. یعقوب علیه السلام که بر جدایی یوسف گریه می کرد. یوسف علیه السلام که در فراق یعقوب علیه السلام شبانه روز اشکش جاری بود. اما فاطمه علیهاالسلام آن قدر بر وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله گریست که اهل مدینه از گریه او ناراحت شدند و اعتراض کردند. از این رو، ایشان به مقبره شهدای اُحُد می رفت و آنجا گریه می کرد. بعد از او هم امام سجاد علیه السلام بر مصیبت پدرش امام حسین علیه السلام می گریست. به یقین زهرا فقط در فراق پدر خویش نمی گریست، بلکه پی آمدهای دردناک رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله ، شکیب آن بانوی شکیبا را گرفته و پشت آن کوه صبر را خم کرده بود.

عیادت زنان مدینه

هنگامی که حضرت فاطمه علیهاالسلام در بستر شهادت قرار گرفت، زنان مدینه به عیادت او رفتند و جویای احوالش شدند. حضرت پس از حمد و ثنای الهی و درود بر پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به خدا سوگند از دنیای شما بیزارم و مردهای شما را دشمن می دارم... . کردار مردان شما زیانی آشکار است؛ چرا که آنها از ابوالحسن علی علیه السلام روی گردان شدند. سوگند به خدا روی گردانی آنها از علی علیه السلام ، به این دلیل است که شمشیر علی در میدان های نبرد، تیز و کوبنده بود. او باکی از مرگ نداشت... . آنها بر ما ستم کردند و دست از یاری ما کشیدند».

سخنان علی و فاطمه علیهماالسلام با یکدیگر

هنگامی که فاطمه علیهاالسلام احساس کرد زمان رحلتش نزدیک شده است، خطاب به علی علیه السلام گفت: «ای پسر عمو! از روزی که با من زندگی کردی، از من دروغ و خیانتی ندیدی و هیچ گاه با تو مخالفت نکردم». علی علیه السلام فرمود: «نه هرگز، تو آگاه ترین، نیکوکارترین و گرامی ترین شخص هستی و خوف تو در پیشگاه خدا بیشتر از آن است که تو را به خاطر مخالفت با من، سرزنش کنم. فراق تو برای من بسیار سخت است، ولی چه باید کرد که چاره ای از مرگ نیست. سوگند به خدا، مصیبت رسول خدا را بر من تازه کردی و فراق و فقدان تو برای من بسیار بزرگ و دشوار است.... این مصیبتی است که تسلیت و آرامش ندارد و حادثه ای جان سوز و جبران ناپذیر است». سپس ساعتی با هم گریه کردند.

لحظه غم انگیز شهادت

زمانی که وفات حضرت فاطمه علیهاالسلام نزدیک شد، به اسماء بنت عُمَیس فرمود: «آبی بیاور تا وضوبگیرم». ایشان وضو گرفتند و به روایتی غسل هم کردند. سپس خود را معطّر ساخته و لباس های تازه ای پوشیدند و فرمودند: «ای اسماء! مقداری از آن کافور بهشتی را بالای سرم بگذار تا مرا با آن حنوط کنند». سپس پای خود را به سمت قبله دراز کرده، خوابیدند و پارچه ای بر روی خود کشیدند و فرمودند: «ای اسماء! ساعتی صبر کن و بعد از آن مرا صدا بزن، اگر جوابی ندادم، بدان که من به پدر خویش ملحق شده ام و علی علیه السلام را باخبر کن». اسماء بعد از ساعتی، چند مرتبه ایشان را صدا زد، ولی جوابی نشنید. سپس پارچه را از روی ایشان برداشت و دریافت که مرغ روحش به بهشت برین پرواز کرده است.

حسن و حسین علیهماالسلام درکنار بدن مادر

زمانی که اسماء از شهادت فاطمه علیهاالسلام آگاه شد، سراسیمه از خانه بیرون آمد و حسن و حسین علیهماالسلام را در بیرون خانه ملاقات کرد. آنها سراغ مادر خویش را گرفتند، ولی جوابی دریافت نکردند. از این رو، با عجله داخل خانه شدند و مادر را رو به قبله در حال خواب دیدند. حسین علیه السلام مادر را تکانی داد و دریافت که او از دنیا رفته است. پس رو به برادر کرد و گفت: «برادر جان! خدا به تو در مصیبت مادرمان اجر دهد». در این لحظه حسن علیه السلام خود را روی مادر انداخت. گاهی او را می بوسید و گاهی می گفت:« مادرم! با من سخن بگو قبل از آنکه روح از بدنم بیرون رود». حسین علیه السلام نیز پاهای مادرش را می بوسید و می گفت: «مادرم! من پسرت حسین هستم، پیش از آنکه قلبم شکافته شود با من سخن بگو».

امیرمؤمنان و خبر شهادت زهرا علیهاالسلام

اسماء به حسن و حسین علیهماالسلام گفت: « نزد پدر بروید و وفات مادرتان را به او خبر دهید». حسن و حسین علیهماالسلام از خانه بیرون آمدند، در حالی که فریاد می زدند: «آه ای محمد صلی الله علیه و آله ، ای احمد! امروز مصیبت فقدان تو برای ما تازه شد ؛ چرا که مادرمان از دنیا رفت». آن دو وارد مسجد شدند و خبر شهادت مادر را به علی علیه السلام رساندند. امیر مؤمنان از شنیدن این خبر آن چنان متأثر شد، که بی هوش بر زمین افتاد و تا وقتی آبی به صورتش نزده بودند، در همان حال بود. سپس با ندایی جان سوز فرمود: «ای دختر محمد! به چه کسی خود را تسلیت دهم. تا زنده بودی مصیبتم را با تو تسلیت می دادم، اکنون بعد از تو چگونه آرام گیرم».

وصیت نامه زهرا علیهاالسلام

امام علی علیه السلام با قامتی خمیده از درد فقدان زهرا علیهاالسلام ، کنار بدن پاکش حاضر شد. روانداز او را بلند کرد و نامه ای بالای سر فاطمه علیهاالسلام مشاهده کرد. آن را برداشت و خواند: «به نام خداوند بخشنده مهربان. این وصیت فاطمه علیهاالسلام دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله است: فاطمه گواهی می دهد که خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد صلی الله علیه و آله ، بنده و فرستاده خداست. بهشت و دوزخ حق است و تردیدی در بر پاشدن قیامت نیست و خداوند مردگان را از قبر بر می انگیزد. ای علی! من فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله هستم که خداوند مرا به ازدواج تو در آورد تا در دنیا و آخرت، از آن تو باشم. تو از دیگران به من شایسته تری. مرا شبانه حنوط کن، غسل بده و کفن نما، و شبانه بر من نماز بخوان و مرا به خاک بسپار و به هیچ کس خبر نده. تو را به خدا می سپارم و به فرزندانم تا روز قیامت درود می فرستم».

مدینه در سوگ فاطمه علیهاالسلام

هنگامی که خبر وفات حضرت فاطمه علیهاالسلام در مدینه منتشر گردید، همگان ناله کنان به خانه علی علیه السلام آمدند و دسته دسته برای عرض تسلیت شرفیاب شدند. آن حضرت نشسته بود و حسن و حسین علیهماالسلام مقابل ایشان نشسته بودند و گریه می کردند؛ به طوری که مردم از گریه آن دو، اشکشان جاری می شد. زینب وام کلثوم نیز اشکشان خشک نمی شد. مردم منتظر بودند تا بر بدن پاک زهرا علیهاالسلام نماز بخوانند. در این وقت ابوذر بیرون آمد و گفت: «بیرون آوردن جسم فاطمه علیهاالسلام تا شب به تأخیر افتاد». با این خبر، مردم از آنجا پراکنده شدند.

غسل و دفن شبانه

زمانی که شب فرا رسید، امیر مؤمنان علی علیه السلام بنا به وصیت زهرا علیهاالسلام ، به کمک اسماء بنت عمیس، بدون آنکه پیراهن او را از تن بیرون آورد، فاطمه را غسل داد و او را داخل تابوت نهاد. حضرت سپس به امام حسن علیه السلام فرمود: «به ابوذر خبر بده بیاید». او ابوذر را خبر کرد و با هم فاطمه علیهاالسلام را تا محل نماز حمل کردند. تشییع شبانه زهرا علیهاالسلام با حضور امام حسن، امام حسین، سلمان، ابوذر، مقداد و چند نفر از یاران ویژه حضرت انجام گرفت. آنان بر جسم حضرت زهرا علیهاالسلام نماز خواندند و شبانه او را به خاک سپردند. حضرت علی علیه السلام اطراف قبر حضرت زهرا علیهاالسلام هفت قبر دیگر ساخت تا قبر فاطمه علیهاالسلام شناخته نشود. به روایتی نیز چهل قبر دیگر را آب پاشید که معلوم نشود کدام تازه است و بنا به روایت سوم، قبر زهرا علیهاالسلام را مسطّح و هموار نمود تا مشخص نباشد.

اختلاف در محل قبر فاطمه علیهاالسلام

مزار شریف حضرت فاطمه علیهاالسلام بر ما آشکار نیست. بعضی می گویند علی علیه السلام ، فاطمه علیهاالسلام را نزدیک قبور امامان بقیع دفن کرده است. بعضی هم معتقدند زهرا علیهاالسلام ، مابین قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و منبر آن حضرت به خاک سپرده شده است. برخی دیگر می گویند آن حضرت، در خانه خود دفن شده است.

|  |  |
| --- | --- |
| مدینه! فاطمه تو هنوز هم تنهاست | نشان غربتش از قبر بی نشان پیداست |
| پس از رسول بیان کن حکایت غم او | دلیل عمر کم و ازدیاد ماتم او |
| چه شد که گفت علی جان! شبانه دفنم کن | شبانه غسل بده، مخفیانه دفنم کن |
| مدینه! کاش کسی بود وقت تدفینش | کمک کند به علی از برای تسکینش |

محمد موحدیان

بالاترین سند مظلومیت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله ، مخفی بودن قبر فاطمه علیهاالسلام است. سالانه، میلیون ها نفر مسلمان برای انجام اعمال حج به مکّه و مدینه سفر می کنند. آنها از خود می پرسند قبر فاطمه دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله کجاست و چرا زهرا علیهاالسلام وصیت نمود او را شبانه دفن کنند؟

سخنان علی علیه السلام بعد از خاک سپاری

پس از آنکه امیر مؤمنان علی علیه السلام از خاک سپاری فاطمه علیهاالسلام فارغ شد، اشکش جاری گردید و رو به طرف قبر پیامبر کرد و فرمود: «سلام برتو ای رسول خدا! سلامی از طرف خودم و دخترت که هم اکنون در جوارت آرمیده و به سرعت به تو ملحق شده است. ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله صبرم از فراق دختر برگزیده ات کم شده و طاقتم از دست رفته است، ولی پس از روبه رو شدن با فاجعه سترگ رحلت تو، هر مصیبتی به من برسد کوچک خواهد بود. ... پیامبر خدا! امانتی که به من سپرده بودی، به تو برگردانده شد. اما اندوه من همیشگی است و شب هایم را با بیداری به سر می برم تا اینکه به تو بپیوندم».

برخورد شدید علی علیه السلام با اندیشه نبش قبر

زمانی که مردم مدینه از خاک سپاری زهرا علیهاالسلام آگاه شدند، صدای گریه شان بلند شد و همدیگر را سرزنش می کردند که: «پیامبر شما جز یک دختر در میانتان نگذاشت و هیچ یک در مراسم نماز و دفن او نبودید و قبر او را نمی شناسید». تعدادی از آنان گفتند: «چند تن از زنان با ایمان را بیاورید تا این قبرها را نبش کنیم و بر جنازه فاطمه نماز بخوانیم و قبرش را زیارت کنیم». علی علیه السلام از این تصمیم با خبر شد و با عصبانیت تمام، در حالی که چشمانش سرخ شده و رگ های گردنش نیز از عصبانیت پرخون گردیده بود، شمشیر به دست به قبرستان رفت و مردم را از نبش قبرها باز داشت.

نمونه ای از کلمات نورانی فاطمه علیهاالسلام

اگر روزه، زبان، گوش، چشم و دست و پای روزه دار را از ارتکاب اعمال ناپسند دور نکند، به چه دردش می خورد؟

آن زمان که زن در خانه خود می ماند (وبه امور زندگی و تربیت فرزند می پردازد) به خدا نزدیک تر است.

از دنیای شما سه چیز محبوب من است: تلاوت قرآن، نگاه به چهره رسول خدا صلی الله علیه و آله و انفاق در راه خدا.

پاداش خوشرویی در برابر مؤمن، بهشت است و خوشرویی با دشمنِ انسان های ستیزه جو، انسان را از عذاب آتش باز می دارد.

کسی که عبادت های خالصانه خود را به سوی خدا بفرستد، خداوند بزرگ، برترین مصلحت را به سوی او خواهد فرستاد.

سلامی به محضر زهرای مرضیه علیهاالسلام

سلام بر تو ای دختر رسول خدا،... سلام بر تو ای سرور زنان عالمیان، سلام بر تو ای همسر ولیّ خدا و بهترین خلق خدا بعد از پیامبرش، سلام بر تو ای مادر حسن و حسین علیهماالسلام ، ... سلام بر تو ای صدّیقه شهیده،... سلام بر تو ای با فضیلتِ پاک، سلام بر تو ای حوریه اِنسی،... خدا و فرشتگانش را گواه می گیرم که دوستِ دوستداران تو و دشمن دشمنان توام.

|  |  |
| --- | --- |
| دلم به یاد مدینه بهانه می گیرد | سراغ باغ گلی را شبانه می گیرد |
| چه حکمت است که چون نام فاطمه آید | برای گریه، دل من بهانه می گیرد |